(مقالۀ پژوهشی)

# ارتباط سازه‌های فردی و اجتماعی بر آموزش اخلاق حرفه‌ای حسابداری

**فرشیده فرزین، دکتر بهاره بنی‌طالبی دهکردی*، دکتر محمود بخشی‌نژاد**

**گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران**

(تاریخ دریافت: 95/7/10، تاریخ پذیرش: 95/10/12)

## چکیده

**زمینه**: برنامه آموزش حسابداری به‌طورسنتی برروی آموزش محاسبات عملکرد و تئوری‌های حسابداری تمرکز دارد و نقش اخلاق در این برنامه دیده نشده است. هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین سازه‌های فردی و اجتماعی و ضرورت آموزش اخلاق حرفه‌ای به دانش‌آموزان و دانشجویان رشته حسابداری است.

**روش**: روش پژوهش، توصیفی از نوع پس رویدادی و جامعه آماری، 274 نفر از دبیران هنرستان‌ها و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های استان چهارمحال و بختیاری است که در 62 مرکز آموزشی و دانشگاهی، دروس رشته حسابداری را تدریس می‌نمایند، حجم نمونه براساس روش نمونه‌گیری تصادفی و فرمول کوکران 160 نفر است .جهت جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه و جهت توصیف داده‌ها از میانگین، آزمون یومن ویتنی و آزمون کروسکال والیس استفاده شده است.

**یافته‌ها**: بین سازه اجتماعی سطح تحصیلات و مقطع تدریس دبیران و استادان و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری ارتباطی وجود ندارد، اما سازه‌های فردی جنسیت دبیران و استادان با ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری ارتباط دارند. همچنین در بین دبیران آموزشکده‌ها و هنرستان‌ها دو سازه فردی سن و تجربه با ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری ارتباط دارد. اما در بین اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها این ارتباط مشاهده نشد.

**نتیجه‌گیری**: مسئولیت نظام آموزشی در قبال تربیت حسابداران آشنا با مباحث اخلاق حرفه‌ای از طریق پرداختن به مباحث اخلاقی در دروس هنرستان‌ها و دانشگاه‌ها ایفاء و منجر به تربیت حسابداران پایبند به اصول اخلاقی حرفه می‌شود.

**کلیدواژگان**: *اخلاق حرفه‌ای، ویژگی‌های جمعیت شناختی، حسابداری*

## سرآغاز

آموزش اخلاق حرفه‌ای به دانش‌آموزان و دانشجویان حسابداری جهت انتخاب‌های اخلاقی در شرایط کسب و کار واقعی یکی از راهبردهای دولت‌ها به‌منظور توسعه پایدار سرمایه انسانی هر کشور است(1) و با توجه به اینکه دانش‌آموزان و دانشجویان حسابداری در آینده به‌عنوان حسابداران حرفه‌ای در جامعه فعالیت می‌کنند، متعهد بودن به آیین رفتار حرفه‌ای می‌تواند تأثیر به‌سزایی در افزایش کارآیی اخلاقی آنها داشته باشد(2). این در حالی‌است که در سرفصل‌های مورد تدریس در مقاطع مختلف حسابداری مباحث اخلاق حرفه‌ای وجود ندارد(3 ). از چندی پیش که موضوع اخلاق در حرفه حسابداری مورد توجه قرار گرفته(4)، بسیار بحث می‌شود که آیا می‌توان اخلاق را جزو واحدهای درسی حسابداری به دانش آموزان و دانشجویان تدریس کرد(5)؟

اکنون بسیاری از دانشکده‌ها اخلاق را جزء موارد درسی خود قرار

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: Banitalebi57 @ yahoo.com

[ Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-24 ]

[ DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.17.9 ]

داده‌اند تا از این طریق دانشجویان را نسبت به مسائل اخلاقی حرفه آگاه و آنها را در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی، توانمندتر سازند(6). در انجمن حسابداران خبره، بزرگ‌ترین نهاد حسابداری دنیا(7) برای دریافت مدرک انجمن 16 دوره گذرانده می‌شود که 10 دوره آن با موضوع اصول اخلاقی ارتباط دارند بدین معنا که حدود 62 درصد دروس انجمن با اخلاقیات مرتبط است(8).

در ایران نیز، مبنای مطالعات درمورد اصول اخلاقی در نهادهای آموزشی از دو طریق مدارس فنی و حرفه‌ای و دانشگاهها محقق می‌شود(9).

در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، دانش آموزان رشته حسابداری، طی یک دوره دو ساله و گذراندن 39 واحد تخصصی مدرک دیپلم، اخذ می‌کنند که از این تعداد عنوان و یا محتوای هیچکدام از دروس با موضوعات اخلاق حرفه‌ای رشته حسابداری، مرتبط نمی‌باشد(9).

در دانشگاه نیزدانشجویان رشته حسابداری، برای دریافت مدرک کاردانی، 25 واحد و کارشناسی 96 واحد تخصصی می‌گذرانند. از این واحدها، عنوان و یا محتوای هیچکدام از دروس با موضوعات اخلاق حرفه‌ای حسابداری، مرتبط نمی‌باشد(9).

طبق نتایج پژوهش‌های انجام شده در خصوص تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی بر امکان‌پذیری رعایت اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه‌ها، جنسیت بیشترین تفاوت را در پاسخگویی به مؤلفه‌های امکان‌پذیری رعایت اخلاق حرفه‌ای از نظر مدرسان ایجاد کرده است(10).

یافته‌های تحقیقات نشان می‌دهد که نمی‌توان به‌صورت قطعی تمایز بین زن و مرد را در نگرش اخلاقی پذیرفت(11). از یک طرف مطالعاتی وجود دارد که زنان در اصل اخلاق محورتر از مردها هستند(12)، از طرف دیگر تحقیقاتی وجود دارد که تفاوت بین نگرش اخلاقی زن و مرد را تأیید نمی‌کنند(13). صرف‌نظر از تفاوت در عقاید، به نظر می‌رسد بسیاری از محققان، بر تأثیرپذیری اخلاقیات از جنسیت تأکید دارند(14).

سطح تحصیلات یکی از معیارهای ارتقاء مرتبه اعضای هیأت علمی است که رابطه آن با رعایت اخلاقیات در پژوهش‌های در دسترس مثبت برآورد شده بود(5). همچنین بررسی عوامل مؤثر بر نگرش اخلاقی دانشجویان مدیریت نشان داد که سطح تحصیلات بر نگرش اخلاقی دانشجویان مدیریت مؤثر است(4). در مورد تجربه‌کاری یافته‌ها متفاوت است. برخی پژوهش‌ها بر اثربخشی تجربه بالا بر رعایت اخلاقیات تأکید دارند(11). طبق نتایج پژوهش‌های مختلف، اساتید در سال‌های بالاتر تدریس، اعتماد بیشتری به کارایی محتوای درسی خود دارند. اما در بقیه فاکتورها رابطه‌ای بین سنوات تدریس و اعتقاد به رعایت اخلاق حرفه‌ای دیده نشده است(12و10).

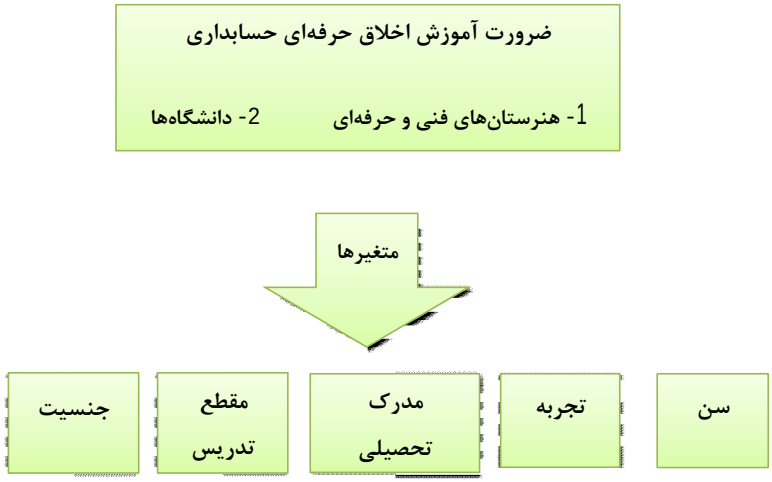
سن به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل جمعیت شناختی مؤثر روی دریافت اخلاقی شناخته شده است(8). با بررسی اثر متغیرهای جمعیت شناختی بر تصمیم‌گیری اخلاقی، مشخص شد سن تنها عاملی است که بر تصمیم‌گیری‌های اخلاقی به شدت تأثیر می‌گذارد. اشخاص مسنتر با احتمال کمتری غرض‌ورزی می‌کنند(11و9 ).

براساس اهمیت آموزش اخلاق در حرفه حسابداری و با توجه به عدم گنجاندن این مبحث در سرفصل دروس آموزشی مقاطع مختلف تحصیلی (9)، پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین سازه‌های فردی جنسیت، سن و تجربه و سازه اجتماعی سطح تحصیلات و مقطع تدریس دبیران هنرستان‌ها و اساتید دانشگاه‌ها با ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری به دانش‌آموزان و دانشجویان رشته حسابداری در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و دانشگاه‌های استان چهارمحال و بختیاری از دید عمده گروه‌های درگیر در این فرایند یعنی دبیران هنرستان‌ها و اساتید دانشگاهی پرداخته و مدل مفهومی پژوهش نیز به‌صورت نگاره شماره 1 طراحی شده است.



[ Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-24 ]

[ DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.17.9 ]




**نگاره 1:مدل مفهومی پژوهش**

## روش

روش پژوهش حاضر با توجه به هدف، کاربردی همچنین برحسب روش از نوع توصیفی و پس رویدادی و به لحاظ نحوه جمع‌آوری داده‌ها پیمایشی است.

جامعه آماری این پژوهش در سال 1394 را تعداد 284 نفر که در 2 گروه شامل گروه اول کلیه دبیران رشته حسابداری هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای استان که 90 نفر میباشند و در39 هنرستان دررشته حسابداری مشغول به تدریس هستند و گروه دوم شامل کلیه استادان رشته حسابداری است که 184 نفر در 23 مرکز دانشگاهی استان مشغول به تدریس هستندکه به تفکیک هر مرکز در نگاره 2، نشان داده شده است.

در این مطالعه برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. ویژگی این فرمول آن است که می‌توان حجم جامعه را در آن دخالت داد و به یک نمونه منطقی‌تر دست یافت(2).

$$n=\frac{Nz^2pq}{Nd^2+z^2pq}$$

$$n=\frac{(274\times3/84\times/5\times/5)}{(274\times/0025+3/84\times/5\times/5)}=160$$

در این رابطه:

$n$ = حجم نمونه، $N$ = حجم جامعه.

$z$ = اندازه متغیر در توزیع نرمال در سطح اطمینان مورد نظر.

$p$ = درصد توزیع افراد دارای صفت در جامعه، $q$ = درصد توزیع افراد فاقد صفت در جامعه.

$d$ = مقدار خطا برابرست با تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین محقق برای وجود آن در جامعه.

با توجه به فرمول فوق،حجم نمونه درفاصله اطمینان 95% و با مدنظر قرار دادن پارامترهای نگاره 2 برابر با 160نفر می‌باشد برای تعیین تعداد پرسشنامه‌های قابل توزیع بین اساتید و دبیران از 274 نفر در استان به روش کوکران 160 نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند که در جدول 1 آمده است.

**جدول 1:فهرست اساتید رشته حسابداری دانشگاههای استان به تفکیک مراکز**

| شماره | جدول مقطع تدریس | محل | تعداد معلم یا استاد | تعداد نمونه |
|---|---|---|---|---|
| 1 | دیپلم | هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای | 90 | 80 |
| | | جمع دبیران | 90 | 80 |



[ Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-24 ]

[ DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.17.9 ]

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| 2 | کاردانی | آموزشکده‌ها و مراکز علمی کاربردی | 44 | 18 |
| | کارشناسی و کارشناسی ارشد | دانشگاه‌های پیام نور و آزاد | 140 | 62 |
| | | جمع اساتید | 184 | 80 |
| | جمع کل | | 274 | 160 |

نحوه انتخاب نمونه‌ها از هر یک از گروه‌ها نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی صورت گرفت.در نگاره 2 چگونگی توزیع نمونه در جامعه آماری نمایش داده شد. با توجه به حجم نمونه آماری تعداد 170 پرسشنامه بین استادان و مدرسان رشته حسابداری دانشگاه‌های استان توزیع شد که از این تعداد، 160 پرسشنامه شامل دو گروه 80 نفره دبیران واستادان جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرارگرفت.

ویژگی‌های جمعیت شناختی پژوهش شامل جنسیت، سن، تجربه، مدرک تحصیلی و مقطع تدریس دبیران و استادان در جدول 2 نشان داده شده است:

**جدول 2: نتایج توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیت شناختی**

| شماره | گروه | | دبیران هنرستان | | اساتید دانشگاه | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| | | | فراوانی | درصد | فراوانی | درصد |
| 1 | جنسیت | مرد | 25 | 31/2 | 50 | 62/5 |
| | | زن | 55 | 68/8 | 30 | 37/5 |
| 2 | سابقه | کمتر از ده سال | 7 | 8/7 | 44 | 55 |
| | | 10تا15 سال | 28 | 35 | 25 | 31/2 |
| | | 15 تا 20 سال | 38 | 47/6 | 10 | 12/6 |
| | | 20سال به بالا | 7 | 8/7 | 1 | 1/2 |
| 3 | تحصیلات | کاردانی | 1 | 1/2 | 0 | 0 |
| | | کارشناسی | 54 | 67/6 | 0 | 0 |
| | | کارشناسی ارشد | 25 | 31/2 | 70 | 87/5 |
| | | دکتری | 0 | 0 | 10 | 12/5 |
| 4 | سن | زیر 30سال | 5 | 6/2 | 30 | 37/5 |
| | | 30تا 40 سال | 36 | 45 | 36 | 45 |
| | | 40تا 50سال | 33 | 41/2 | 12 | 15 |
| | | 50سال به بالا | 6 | 7/6 | 2 | 2/5 |
| 5 | مقطع تدریس | دیپلم | 78 | 97/6 | 0 | 0 |
| | | کاردانی | 1 | 1/2 | 18 | 22/6 |
| | | کارشناسی | 1 | 1/2 | 57 | 71/2 |
| | | کارشناسی ارشد | 0 | 0 | 5 | 6/2 |

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه کتبی براساس مقیاس لیکرت 5 نقطه‌ای (خیلی کم=1، کم = 2، متوسط =3، زیاد =4، خیلی زیاد = 5) در دو بخش طراحی گردید. پرسشنامه از30 سؤال تشکیل و سؤالات آن براساس مطالعات صورت گرفته توسط محققان طراحی شد(8). در بخش اول 5 سوال در مورد اطلاعات فردی پاسخ‌دهندگان مطرح شد. در بخش دوم نیز ارتباط بین ویژگی‌های فردی دبیران و استادان بر ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری مورد سؤال قرار گرفت. در بخش دوم از 25 سؤال مربوط به تأثیر سازه‌های فردی و اجتماعی بر ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری استفاده گردید.

برای سنجش اعتبار محتوای پرسشنامه از روش لاوشه که میزان موافقت میان ارزیابان در خصوص مناسب یا اساسی بودن یک گویه خاص را اندازه‌گیری می‌کند، استفاده و از 15نفر از استادان در خصوص گویه‌ها نظرخواهی شد(8). برای تأیید اعتبار لازم است میانگین حداقل نسبت اعتبار محتوایی 0/49 باشد(8)



[ Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-24 ]

[ DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.17.9 ]

که در این پرسش‌نامه برابر با 0/75 بود و از اینرو اعتبار محتوایی پرسش‌نامه در حد قابل قبولی تأیید می‌شود.

برای تعیین پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن در بین استادان و دبیران برای پیش آزمون به‌ترتیب برابر با 0/87 و 0/88 و برای آزمون نهایی به‌ترتیب برابر با 0/85 و 0/83است که از مقدار 0/7 بزرگ‌تر و مبین پایایی پرسش‌نامه می‌باشد.

داده‌های تحقیق پس از جمع‌آوری دسته‌بندی و میانگین پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در گزینه‌ها از خیلی کم تا خیلی زیاد محاسبه و با آزمون کولموگروف اسمیرنف تجزیه و تحلیل شدند تا وضعیت نرمال بودن توزیع بررسی شود. ازآنجایی‌که سطح معناداری آزمون برای همه مؤلفه ها کمتر از 0.05 است، بنابراین فرض صفر مبنی‌بر نرمال بودن توزیع عامل‌ها رد می‌شود و از اینرو، از آزمون‌های ناپارامتریک برای بررسی روابط میان متغیرها استفاده می‌شود(9). فرضیات پژوهش با استفاده از آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، حد بالا و پایین، و برای متغیرهای جنسیت از آزمون یومن ویتنی و برای سایر متغیرهای سطح تحصیلات، سن، مقطع تدریس و میزان تجربه از آزمون دو جمله‌ای، کروسکال- والیس و آزمون فریدمن به‌کمک نرم افزار SPSS استفاده شد.

## یافته‌ها

در فرضیه اول پژوهش، مبنی بر وجود ارتباط بین جنسیت دبیران رشته حسابداری و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای، نتایج جدول 3 نشان داد چون سطح معنی‌داری آماره در آزمون یومن ویتنی کمتر از 0/05 (sig=/037) می‌باشد، فرضیه $H_0$ یعنی برابری میانگین دوجامعه مرد و زن در بین دبیران رد میشود لذا میانگین رتبه معلمان مرد بیشتر است پس بین جنسیت دبیران و ضرورت اصول اخلاق حرفه ای حسابداری تفاوت معنی‌داری وجود دارد و فرض $H_1$ پذیرفته می‌شود.

در فرضیه دوم مبنی‌بر وجود ارتباط بین سن دبیران و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای، نتایج جدول 3 نشان داد چون سطح معنی‌داری آماره در آزمون کروسکال والیس کمتر از 0/05 (sig=/000) می‌باشد، فرضیه $H_0$ یعنی برابری میانگین رتبه ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای با توجه به سن در بین دبیران رد می‌شود. لذا میانگین رتبه دبیران درسن 50 سال به بالا، بالاترین مقدار میانگین و سپس دبیران 40 تا 50 سال را بالاترین میانگین است. با مقایسه اعداد مشخص می‌شود که با کاهش سن دبیران، میانگین نیز کاهش می‌یابد. پس بین سن دبیران و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری تفاوت معنی‌داری وجود دارد و $H_1$ پذیرفته می‌شود.

در فرضیه سوم مبنی‌بر وجود ارتباط بین تجربه دبیران و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای، نتایج جدول 3 نشان داد چون سطح معنی‌داری آماره در آزمون کروسکال والیس کمتر از 0/05 (sig=/000) می‌باشد. فرضیه $H_0$ یعنی برابری میانگین رتبه ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای با توجه به سابقه در بین دبیران رد می‌شود و نشان‌میدهد با افزایش تجربه این میانگین افزایش می‌یابد به طوریکه بالاترین میانگین مربوط به دبیرانی است که سابقه‌ای بالاتر از20 سال دارند پس فرض $H_1$ پذیرفته می‌شود.

در فرضیه چهارم مبنی‌بر وجود ارتباط بین مدرک تحصیلی دبیران و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری نتایج جدول 3 نشان داد چون سطح معنی داری آماره در آزمون کروسکال والیس بزرگتر از 0/05 (sig= /347) می‌باشد، فرضیه $H_0$ پذیرفته و فرض $H_1$ رد می‌شود. پس اختلاف معناداری بین میانگین ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری و مدرک تحصیلی دبیران هنرستان وجود ندارد.

در فرضیه پنجم مبنی بر وجود ارتباط بین مقطع تدریس دبیران و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری نتایج جدول 3 نشان داد چون سطح معنی داری آماره در آزمون کروسکال والیس بزرگتر از 0/05(sig=/147) می‌باشد. فرض $H_0$ پذیرفته و فرض $H_1$ رد می‌شود لذا اختلاف معناداری بین میانگین راهکارهای آموزشی در بین مقطع تدریس در بین معلمین هنرستان وجود ندارد.

در فرضیه ششم مبنی‌بر وجود ارتباط بین جنسیت اعضای هیئت علمی و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای نتایج جدول 3 نشان داد چون سطح معنی‌داری آماره در آزمون یومن ویتنی کمتر از 0/05 (sig=/008) می‌باشد، فرضیه یعنی برابری



[ Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-24 ]

[ DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.17.9 ]

میانگین دو جامعه مرد و زن در بین اساتید رد می‌شود در نتیجه میانگین رتبه اساتید زن بیشتر است، پس بین جنسیت اساتید و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری تفاوت معنی‌داری وجود دارد و فرض $H_1$ پذیرفته است.

در فرضیه هفتم مبنی‌بر وجود ارتباط بین سن اعضای هیئت علمی و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای نتایج جدول 3 نشان داد چون سطح معنی‌داری آماره در آزمون کروسکال والیس بزرگتر از 0/05 (sig=/085) می‌باشد. فرض $H_0$ یعنی برابری میانگین رتبه ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری با توجه به سن در بین اساتید پذیرفته می‌شود لذا بین سن اساتید و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری رابطه معناداری وجود ندارد و فرض $H_1$ رد می‌شود.

در فرضیه هشتم مبنی‌بر وجود ارتباط بین تجربه اعضای هیئت علمی و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای نتایج جدول 3 نشان داد چون سطح معنی‌داری آماره در آزمون کروسکال والیس بزرگ‌تر از 0/05 (sig=/379) می‌باشد فرض $H_0$، یعنی برابری میانگین رتبه ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری با توجه به سابقه در بین اساتید پذیرفته می‌شود لذا بین سابقه تدریس استادان و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری رابطه معناداری وجود ندارد و فرض $H_1$ رد می‌شود.

در فرضیه نهم مبنی‌بر وجود ارتباط بین مدرک تحصیلی اعضای هیئت علمی و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای نتایج جدول 3 نشان داد چون سطح معنی‌داری آماره در آزمون کروسکال والیس بزرگ‌تر از 0/05 (sig=/615) می‌باشد فرض $H_0$ یعنی برابری میانگین رتبه ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه ای حسابداری با توجه به مدرک تحصیلی در بین اساتیدپذیرفته می‌شود لذا اختلاف معناداری بین میانگین ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری و تحصیلات استادان وجود ندارد و فرض $H_1$ رد می‌شود.

در فرضیه دهم مبنی‌بر وجود ارتباط بین مقطع تدریس اعضای هیئت علمی و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای نتایج جدول 3 نشان داد چون سطح معنی‌داری آماره در آزمون کروسکال والیس بزرگ‌تر از 0/05 (sig=/519) می‌باشد فرض $H_0$ یعنی برابری میانگین رتبه ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه ای حسابداری با توجه به مقطع تدریس در بین اساتید پذیرفته می‌شود لذا اختلاف معناداری بین میانگین ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری در بین مقطع تدریس استادان وجود ندارد و فرض $H_1$ رد می‌شود.

**جدول 3: نتایج آزمون‌های آماری مربوط به عوامل مؤثر برضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری**

| فرضیات | محتوای فرضیات | نوع آزمون | سطح معنی داری(Sig) | نتیجه |
|---|---|---|---|---|
| گروه اول | دبیران حسابداری هنرستانها | | | |
| اول | وجود ارتباط بین جنسیت دبیران و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای | یو من ویتنی | 0/037 | پذیرش H1 |
| دوم | وجود ارتباط بین سن دبیران و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای | کروسکال والیس | 0/000 | پذیرش H1 |
| سوم | وجود ارتباط بین تجربه دبیران و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای | کروسکال والیس | 0/000 | پذیرش H1 |
| چهارم | وجود ارتباط بین مدرک تحصیلی دبیران و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای | کروسکال والیس | 0/347 | ردH1 |
| پنجم | وجود ارتباط بین مقطع تدریس دبیران و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای | کروسکال والیس | 0/147 | ردH1 |
| گروه دوم | استادان حسابداری دانشگاهها | | | |
| ششم | وجود ارتباط بین جنسیت استادان و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای | یو من ویتنی | 0/008 | پذیرش H1 |
| هفتم | وجود ارتباط بین سن استادان و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای | کروسکال والیس | 0/085 | ردH1 |
| هشتم | وجود ارتباط بین تجربه استادان و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای | کروسکال والیس | 0/379 | ردH1 |
| نهم | وجود ارتباط بین مدرک تحصیلی استادان و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای | کروسکال والیس | 0/615 | ردH1 |
| دهم | وجود ارتباط بین مقطع تدریس استادان و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای | کروسکال والیس | 0/519 | ردH1 |



[ Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-24 ]

[ DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.17.9 ]

## بحث

نتایج پژوهش حاضر بر اساس جدول 3 نشان می‌دهد بین سازه اجتماعی سطح تحصیلات و مقطع تدریس دبیران و استادان و ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری ارتباطی وجود ندارد، اما سازه‌های فردی جنسیت دبیران و استادان با ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری ارتباط دارد.

همچنین در بین دبیران هنرستان‌ها دو سازه فردی سن و تجربه با ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری در دوران تحصیل ارتباط دارد اما در بین اعضای هیات علمی دانشگاهها این ارتباط مشاهده نشد.

مطالعات متعددی به بررسی تأثیر جنسیت بر اخلاق‌مداری پرداخته‌اند(9). یافته‌های یک پژوهش نشان داد به‌طور قطع زنان نسبت به مردان اخلاق مدارتر نیستند و این امر تحت تأثیر متغیرهای دیگری است که نسبت به جنسیت، تأثیر به‌مراتب بیشتری بر میزان اخلاق‌مداری دارند(12).

در پژوهشی باعنوان رابطه جنسیت با اخلاق حرفه‌ای در جامعه دانشگاهی و حرفه حسابداری، تأثیر عامل جنسیت بر رعایت اخلاق حرفه‌ای دو گروه زن و مرد حسابدار مورد بررسی قرار گرفت(10). نتایج پژوهش نشان داد رابطه خطی معناداری بین اخلاق حرفه‌ای و جنسیت وجود ندارد اما هنگامی‌که جنسیت در کنار سن قرار می‌گیرد این رابطه خطی معنادار می‌شود به‌طوری‌که قسمتی از تغییرات اخلاق حرفه‌ای توسط این دو متغیر توضیح داده می‌شود(10).

در پژوهشی باعنوان بررسی تأثیر عوامل جنسیت، سطح تحصیلات و تجربه‌کاری بر فرایند تصمیم‌گیری اخلاقی نتایج نشان داد جنسیت و سطح تحصیلات موجب تفاوت‌هایی در استانداردهای اخلاقی افراد می‌شود(14).

درخصوص متغیر سن، نتایج پژوهش بررسی متغیر سن برضرورت آموزش اصول اخلاقی از دیدگاه دانشجویان حسابداری و کادر آموزش حسابداری، نشان می‌دهد گنجاندن اصول اخلاقی در آموزش حسابداری، از نظر افراد جوان‌تر مهم‌تر است تا از نظر افراد پیرتر (13و12).

نتایج برخی پژوهش‌ها از لحاظ بررسی متغیر سن پاسخ دهندگان نشان داد چون افرادی که از موضوعات اخلاقی مطلع هستند، پیرتر هستند، بنابراین آنها می‌توانند تصمیماتی اخلاقی بگیرند و مهمتر از افراد جوان‌تر هستند(11و7).

درخصوص متغیر تجربه و سابقه کار نیز، در نتایج حاصل از یک پایان‌نامه باعنوان رابطه سابقه و تجربه‌کاری بر تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران در ایران، مشخص شد بین معیارهای اخلاقی و دانشجویان دارای سابقه کار و بدون سابقه کار تفاوت معنی‌داری وجود دارد(13و6).

در نهایت نتایج مطالعات درباره بررسی عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران ایرانی، نشان می‌دهد بین تجربه کاری استادان و آشنایی با آیین‌نامه رفتار حرفه‌ای حسابداران رسمی ایران نیز ارتباط معناداری وجود دارد و از دیدگاه استادان باتجربه‌تر رشته حسابداری، آشنایی با آیین‌نامه رفتار حرفه‌ای از جمله عوامل مؤثر بر استانداردهای اخلاقی دانشجویان حسابداری ایران است(6).

درخصوص متغیر سطح تحصیلات نیز یافته‌های پژوهشگران نشان می‌دهد سطح اخلاقی دانشجویان حسابداری در مقطع کارشناسی تقریباً متوسط است(13) و از سوی دیگر سطح تحصیلات، میزان اعتقاد به اجرای معیارهای اخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در دانشجویان مقاطع بالاتر تحصیلی، افزایش می‌یابد(14).

درخصوص مقطع تحصیلی، نتایج پژوهشی باعنوان برداشت اعضای هیأت علمی در مورد آموزش اصول اخلاقی تجاری درتنس و میشیگان، نشان می‌دهد اعضای هیات علمی نسبت به دانشجویان در مقاطع کارشناسی، مسئولیت بیشتری برای آموزش اصول اخلاقی تجاری دارند(12).

در یک پژوهش، ارزیابی‌های اعضای کادر آموزشی در مقاطع مختلف تدریس از اصول اخلاقی، با هم مقایسه شد. نتایج نشان می‌دهد در هفت موقعیت از 30 موقعیت بین اعضای کادر آموزشی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد(11). همچنین هنگامی‌که میانگین گروه‌ها، مورد بررسی قرار گرفت. هیچ تفاوتی بین اعضای کادرآموزشی، وجود نداشت(11).

پژوهش حاضر از محدودیت‌هایی نیز برخوردار است و با توجه به اینکه جامعه آماری این پژوهش را هنرستان‌ها و دانشگاه‌های



[ Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-24 ]

[ DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.17.9 ]

استان چهارمحال و بختیاری تشکیل داده، نمی‌توان نتایج را به تمامی هنرستان‌ها و دانشگاه‌های سراسر کشور تعمیم داد، لذا برای موضع‌گیری قاطع‌تر جهت بررسی دیدگاه مدرسان و استادان رشته حسابداری در خصوص ضرورت آموزش اخلاق حرفه‌ای به دانشجویان رشته حسابداری، انجام چنین پژوهشی در سایر شهرهای کشور نیز پیشنهاد می‌گردد. همچنین پیشنهاد می‌گردد متغیرهای درون فردی مانند رشد اخلاقی و ... متغیرهای بیرونی مانند اشتغال دانشجویان و رابطه آن با ضرورت آموزش اخلاق حرفه‌ای به دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد. همچنین به بررسی موانع موجود در مسیر آموزش اخلاق حرفه‌ای به دانشجویان حسابداری در دانشگاه‌های کشور و ارایه راهکارهای لازم جهت رفع آنها پرداخته شود.

## نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد از دیدگاه دبیران هنرستان‌ها، متغیرهای جنسیت، سن و تجربه‌کاری و از دیدگاه استادان رشته حسابداری متغیر جنسیت با ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری رابطه دارند.

همچنین از دیدگاه دبیران هنرستان‌ها، متغیرهای سطح تحصیلات و مقطع تدریس و از دیدگاه استادان بین متغیرهای سن، تجربه کاری، سطح تحصیلات و مقطع تدریس با ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری رابطه‌ای وجود ندارد لذا براساس نتایج پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای جمعیت شناختی مانند سطح تحصیلات و مقطع تدریس در بین دبیران و استادان رشته حسابداری و نگاه آنها به ضرورت آموزش اصول اخلاق حرفه‌ای در بین دانشجویان ارتباط چندانی وجود ندارد و باید به دنبال بررسی عوامل فردی و بیرونی دیگری در جهت شناسایی این ارتباط و نحوه آن بود.

### ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده اصل اخلاقی امانتداری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار، محترم شمرده شده است.

## واژنامه

| | |
|---|---|
| 1. Professional Behavior | رفتار حرفه‌ای |
| 2. Ethical Attitude | نگرش‌های اخلاقی |
| 3. Prejudice | غرض‌ورزی |
| 4. Principles of Professional Ethics | منشور اخلاقی |
| 5. Ethics | اخلاق |
| 6. Ethical Culture | فرهنگ اخلاقی |
| 7. Accuracy | صحت |
| 8.Investors | سرمایه‌گذاران |
| 9. Privacy | رازداری |
| 10. Competence And Professional Care | صلاحیت ومراقبت حرفه‌ای |
| 11. Consistency And Uniformity of Treatment | انسجام و وحدت رویه |
| 12. Professional Ethics | اخلاق حرفه‌ای |
| 13.Truth | حقیقت |
| 14. Individual Ethic | اخلاق فردی |
| 15. Justice | عدالت |

## Reference


1. Nasirzadeh F. (2011). Face evolving accounting education. Accounting Journal; (9):225-237. (In Persian).
2. Nabizadeh F. (2010). Information technology education and development. Karaj: National Conference on the Development of Information Technology Education, Azad University of Karaj. (In Persian).
3. Nazaripoor M, Nazeri Sh. (2012). The accounting professional ethics education. Golestan: National Conference of Accounting, Golestan University of Applied Sciences. (In Persian).
4. Alinezhad Sarokalaee M ,Moazezi R.(2013). Accounting ethics education in the teaching of scientific and global strategic principles of ethics in accounting. Accounting Journal; (5, 6): 80-86. (In Persian).


[ Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-24 ]

[ DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.17.9 ]

5. Nourian M, Atashk M, Salem S, Jamshidzadeh M. (2016). The impact of demographic variables on the possibility of observing professional ethics teaching in universities. Ethics in Science and Technology; 11(1): 85-94. (In Persian).

6. Khamesan A, Amiri M. (2011). Evaluation of academic cheating among students. Ethics in Science and Technology; 6(1): 53-61. (In Persian).

7. Hejazi R, Mosaferi J. (2012). Relationship between gender and ethics in accounting profession. Ethics in Science and Technology; 7(1): 40-47. (In Persian).

8. Uyar A, Haydar AG. (2013). Accounting proffessionals perceptions of ethics education: evidence from Turkeys .Accounting and Management Information Systems; 12(1): 61–75.

9. Rafeie A. (2008). Gender, educational level, religion and history of accounting in Iran working on ethical decision-making. [Master's thesis]. Tehran: University of Tehran. (In Persian).

10. Merphy E, Josephine D. (2011). Faculty and student perceptions of business ethics education at an undergraduate institution. [Ph.D thesis]. Oxford: Oxford University.

11. Fischer M, Rosenzweig K. (2007). Attitudes of students and accounting practitioners concerning the ethical acceptability of earnings management. Journal of Business Ethics; (14): 433–444.

12. Cohen J, Pant L, Sharp D. (1998). The effect of gender and academic discipline diversity on the ethical evaluations, ethical intentions and ethical orientation of potential public accounting recruits .Accounting Horizons; (12):250–270.

13. Etamadi H, Dianati Deylami Z. (2009). Effects of moral perspective of financial management on the quality of financial reporting of companies. Ethics in Science and Technology; 4(1):89-79. (In Persian).

14. Ghanbari S, Ardalan M, Beheshti Rad R. (2015).Professional ethics faculty and Anna's relationship with the quality of higher education. Ethics in Science and Technology; 2(10):50-40. (In Persian).

[ Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-24 ]

[ DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.17.9 ]